

ترجمه : دکتر اصفه اصفی دانشیار دانشسرای عالی

كودك واسب عكس العمل هابی شبیه
و همانند دارند ، آنها وقتیکه بوسیله دست هابی
نامطمئن ولرزان حمایت شوند ، از هراس و نهنی
ویالجام گرفتنی ناآرام شده و سرکشی می کنند.
آنچیزیکه قبلا در آنها مشاهده نمیشه است.
چون نمیتوانند مفاهیم آنچه که در بارشان
انجام میشود درک نموده و دریابند و همین
ناسطمنی آن کسی که مدعی هدایت و راهنمایی
آنهاست بطور خطرناکی آنان را خراب میکند،
کشیف و ملوث می نماید ، بدون شک اگر کسی
به آنها توجه نداشته باشد وضع آنها، بهتر
بوده و نگرانیهایشان کمتر و عاقلتر خواهند بود.
اما چون این موقعیت را ندارند و خود را تحت
نظارت و سرپرستی دیگران حس می کنند سعی
مینمایند که هوسهایشان ، خواسته هایشان و
خواسته های خیالیهایشان را تحت حمایت آنان
به انجام رسانند .
بهین دلیل است که بطور عمومی بجای
آنکه مطالبی را خود نمی پذیریم و به آن معتقد

نیستیم، بعنوان تعلیم و تربیت به آنان تحمیل
کنیم سعی کنیم در حد امکان از آن دست
برداریم و گرنه آنان گاهگاهی مجبور می شوند
که آزادانه عرض اندام کرده و به بعضی از
فرامین و دستوراتی که هرگز مورد قبولشان
قرار نگرفته است اعتراض کنند . اگر این
دستورات مابا خشونت و اعمال قدرت بر آنها
وارد گردد، ممکن است بدون اعمال نظر مخالف
و اعتراض شدید به آرامی ولی برابر با
خواسته های خود مطلب را توجیه کنند و
با اصطلاح ما را در مقابل عمل اجرا شده قرار دهند.
اگر چنین شد ؟ و در این موارد آیا رفتار
ما موجب چشم پوشیهای فوق العاده و گذشتهای
بی نهایت نخواهد گردید ؟ آیا می توانند رفتار
و منش استثنایی خود را مورد توجه قرار داده
و بحساب جوانمردی و بزرگواری خود قبول
کرده و ستایشش کنند ؟ و مخصوصاً بخود
قبولانند و ضعف و سستی خود را عملی ارزشمند
و موجه قلمداد کنند ؟

جز در مقابل اشتباهات آشکار، نباید رفتاری تشجیح کننده، نشان داد حتی در این مواقع هم باید اشتباه برای سر تکبش توجیه و بازشناسی شود و به این ترتیب امکان تصحیح و خود بازیابی را از او سلب نکنند چون این رویه مسئله ای نیست که موجب تحقیر کسی شود، بلکه مزایا و راههای توفیق بیشتری هم به او عطا کرده و موجب توفیق بیشتری میشود. اجازه دادن به کودک برای توجیه و ثبوت خودش لازم و واجب است اما اگر بین مربیان یکی را قبول ندارد، اینجاست که باید تأمل کرد این مطلبی است که نباید آنرا ساده گرفت و استدلال کرد که نمیتواند تشخیص دهد و ضمناً هم نباید مطلب را بزرگ کرده و بصورت حقی مسلم بوی تفویض کرد. فراوانند شاگردانی که هر شب بمحض ورود به خانه مجموعه ای از حملات شدید بر علیه این معلم و آن دیگری ایراد می کنند که خوش-خلق ترین خانواده ها را هم به تکذیب از معلم و اعتراف به بی لیاقتی او برمی انگیزانند: حتی انسان های خیلی محتاط هم از این پیش آمدها بدور نیستند ولی برای قضاوت صحیح باید دو سینه صدا را هم شنید (زنگ اولی نواخته شده صدای زنگ دوم را هم بشنویم). بجای اینکه با چشم بسته خود را در ابهام و پیچیدگی-های مطالب کودکانه خود غرق سازیم دقت بیشتری کرده و حتماً مسئله را دقیق تر و از نزدیک بررسی کنیم، چون ممکن است شایسته ترین و موجه ترین کودک هم تصاویری کاملاً دور از حقیقت عرضه کنند فقط بدلیل اینکه جزئی از مطلب را چون برایشان اهمیت نداشته و با اصطلاح تکانشان نداده است فراموش کرده باشند و بدون کوچکترین توجهی

موقعیت و شکل حادثه را بکلی عویس کرده اند. در نتیجه بنظم میرسد قسمتی از اولویت و مزایایی که خود مابه آنان تفویض کرده ایم برای تمام و یا قسمتی از مأموریتشان بدلیل اعتمادی که به کودک داریم در مدرسه، نزد فامیل نزدیک، دوست یا مستخدم از آنان سلب می کنیم و این مطلب برابر با اعتمادی که نشان بدهیم ادامه خواهد یافت. قرار داد هر لحظه و به اراده هر کدام قابل فسخ و لغومی باشد، اما تا وقتی که بقدرت خود باقی است باید به آن احترام بگذاریم زیرا کاملاً غیر منطقی بنظر میرسد، مسئولیت به کسانی واگذار شود که هیچ گونه قدرتی نداشته باشند و هیچ گونه ابتکار و راهتمایی از طرف پدر و مادر در کودک دریافت نکنند.

مرجح است که پسران و دخترانمان را بوضوح از نظرات و رفتارمان نسبت به این موضوع آگاه سازیم، برای اینکه آنها بفهمند و درک کنند که چرانه از شنیدن شکوهها و شکایات آنان شانه خالی می کنیم و نه بخود حق میدهیم که با آنان در انتقادات و بدگوییهایشان همزمان شده و به نفع آنها از هر جهت تصمیمی اتخاذ نمائیم. ضمناً از کمک به ایشان برای از بین بردن سوء تفاهات هم هراسی نداریم. اما اگر آنان مدعی و شاکی از بعضی از فراسین و دستورات مستبدانه آنها هستند به آنان نصیحت می کنیم که مطیع مربیانشان باشند همانطوریکه اطاعت از قوانین و رسوم کشوری که ما را در دامنانش می پروراند برای ما لازم و حتمی الاجرا است. در نتیجه و خلاصه بر ماست که سوء تفاهات و مشکلات کودک را ساده کرده و از حمت و شدت مطلب بکاهیم نه اینکه با احساس تند و

کشی چیز دیگری نیستند که کودکان را بسوی او هام پرستی و خیال پروری کشانیده و کم کم خرافه پرستی بطور سرسختانه ای در آنها مؤثر واقع می گردد ، بدبختی اینجاست که این مشکل ، از طرف کس یا کسانی ناشی شده که ما شخصیتشان را قبول کرده ایم ، اینجا سعی و کوشش ما برای ابقای آنها بی حاصل و توفیق ناپذیر خواهد گردید ، پس باید حداقل بدیها را در نظر بگیریم و با صراحت کامل عقیده خود را بیان داریم ، اینجا ما مجبوریم که لبه تیز انتقاد هایمان را بسوی تنها نقطه اتکاء خود یعنی نمایندگانمان ، مربیان ، نیکوکاران و یامزد بگیران انتخابی خود با توجیه حداقل زشتی های رفتارشان محدود سازیم . چون اصل این است که کسودک را از تعقیب افکار خیال پرستانه ای که شنیده است دور سازیم .

ترسناکترین حکایات و داستانها اگر خوب تنظیم شود ، آزارش کمتر می گردد « کاریست که واقع شده » نظایر پدران و مادران برای نجات صورت ظاهر « شخصی بزرگ » بصورتیکه آنچه مادر باره « او » یا « آنها » بشما گفته ایم غیر از این بوده و شما بد فهمیده اید ، چیزی نیست جز گریزی احمقانه که میتواند بجای آنکه ناراحتی های کودک را محو و نابود سازد ، آنرا بزرگ تر کرده و در وجودشان پرورش دهد .

این آرامش ظاهری ما حس نگرانی کودکان را پابرجا تر نگه میدارد چون غالباً توجیه کننده دوستی و قضاوتی غیر متمرکز و نمایشگر نگرانی از حقایق ، واقعیتها میباشد . اما در مورد برداشت های کودک باید متوجه باشیم که بتواند با مخالف گوئیهایش درباره مسائل مختلف ، نظراتش را مفید جلوه داده و مارا مجبور سازد که آزادانه بر علیه واقعیت ، از قضاوتهای کودکانه اش حمایت کنیم .

رفتار عجولانه خود ، آتششان را تیزتر کنیم . رفتاری متفایرو ناسازگار بانقش قاضی و یسا میانجی ! برای اینکه اینگونه صحبت های زیاد تر نشده و ادامه پیدا نکند باید متوجه باشیم که کوبیدن و آسیب رسانیدن به قدرتی که خود ما انتخابش کرده ایم بدون حق و دلیل جدی پسندیده نیست و دخالت به این صورت در کار بچه ها چیزی جز جهل و نادانی نمیتواند باشد . باید توجه داشت که در سواری بسیار نادر ، حضور بدون فعالیت و (سهل انگاری) ما ممکن است لطماتی به احساسات درونی کودکان وارد سازد و یامفاهیم آزادی ، تقوی و عدالت را مخدوش سازد . شاید اینجا مهمترین و قابل توجه ترین مواقع است برای انتخاب روش و نحوه ای پر درست ، ما وقتیکه باید مداوا و معالجه کنیم نه با اعمال نفوذ و قدرت ، نه با بی استعدادی چلمنی و فقط با برداشت هایی از یک داستان یا نقل قول کودک نمیتوانیم عمل کنیم . مشاهده میشود عده زیادی بر این عقیده اند که توجیه مطالب اخلاقی یا مذهبی برای کودکان ، باید با داستان های وحشتناک همراه باشد چون همین ترس و وحشت اصالت داستان را تضمین می کند . این مسائل چیزی جز افکار ناگهانی ، عذابهای تعدیل شده ، شیطانها ، او هام و تصاویر ترسناک خیالی و روحیه



مکاتبات
مکاتبات